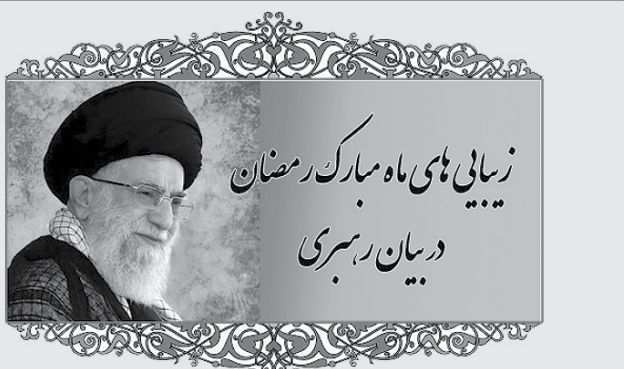




حیات طَیِّبه چیست؟

شما وقتی عبادت می کنید، داعیی را با حال می خوانید، نمازی را با توجه اقامه می کنید، اتفاقی به یک مستحق می کنید، می بینید چه لذتی می برید و چه حالت احتفاظی (لذت) به شما دست می دهد. این لذت را با خوردن نمی شود به دست آورد. انسان‌هایی که طعم بندگی خدا را چشیده‌اند – که هر انسان مؤمنی در طول زندگی، کوبوبیش حالات این‌طوری برایش پیش می آید؛ بعضی کم، بعضی زیاد - در آن لحظه توجه به خدا، عبادت خدا، مناجات، گریه برای خدا و در مقابل خدا لذتی احساس می کنند که حاضرند دنیا و مافی‌ها را بدهند، برای آنکه این لذت برای آنها بماند. البته مذایات، انسان را از آن حالت بیرون می آورد آن حالت گالگلهی دست می دهد. لذت معنوی، یعنی آن حالات. آدمی‌هایی که با خدا و هدف‌های معنوی آشنا نیستند، طعم این لذت را نمی چشند. یا بسا انسان‌هایی که در سایه نامبارک نظام‌های مادی عمری را گذرانده‌اند، اما یک لحظه آن حالت توجه به خدا و آن لذت معنوی برایشان پیش نیامده است. آنها نمی‌فهمند من و شما چه می گوئیم.

اسلام می‌خواهد انسان‌ها را آنچنان بالا ببرد، دل‌ها را آنچنان نورانی کند، بدی‌ها را آنچنان از سینه من و شما بیرون بکند و دور بیندازد، که ما آن حالت لذت معنوی را در همه آنات زندگی‌مان، نه فقط در محراب عبادت، بلکه حتی در محیط کار، در حال درس، در میدان جنگ، در هنگام تعلیم و تربیت کنه، ریشه این جنگ‌ها و ظلم‌ها و نابرابری‌ها و پلیدی‌ها و رچس‌ها کنده خواهد شد، این حیات طَیِّبه است.

پس، حیات طَیِّبه معنایش این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند، عبادت کنند و اصلاً به فکر زندگی و مَذایات نباشند؛ نه، حیات طَیِّبه، یعنی دنیا و آخرت را با هم داشتن. حیات طَیِّبه، یعنی ماده و معنا را با هم داشتن. حیات طَیِّبه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را با لاج می‌رساند؛ قدرت علمی و تکنیکی پیدا می‌کند، پیشرفت‌های گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد؛ اما در همه این حالات، دل او هم با خداست و روزبه‌روز هم با خدا اشتنان می‌شود. این، هدف نظام اسلامی است.

این، آن هدفی است که پیامبران اعلام کردند، مصلحان عالم گفتند و در این صدونجاه تا نویست سال گذشته، شخصیت‌های برجسته اسلامی آن را اعلام کردند.
بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی – ۱۳۷۱/۱/۲۹



خواندن قرآن بدون فهم معانی کلمات

وقتی ما معانی کلمات قرآن را نمی‌دانیم آیا خواندن آن فایده‌ای دارد؟ آیا خواندن و ختم در همان زمان بدون فهم و درک حقایق آن باز ثواب دارد؟

قرآن غنای روح‌آست و فکر و تفکر و سفرهای است گسترده و متنوع، متناسب با گستردگی و تنوع نیازانسان؛ پس نتاول این غذا که در تلاوت، تدبر و عمل است بر همه جسم‌ها ضرورت دارد که روح را پرورش دهد و برای بهره بردن از این غنای بی‌نقص مرحلهی وجود دارد که هر کس به اندازه توان خود از این سفره بهره می برد با نگاهی به روایات اسلامی مشتخص می شود که نه تنها خواندن قرآن بلکه نگاه کردن به نوشته‌های آن نیز اجر و پاداش دارد.

مرحله بهره برداری از قرآن

در این نوشتار مراحل بهره برداری از قرآن را در چهار مرحله می‌آوریم تا هر کس به اندازه توانش این مراحل را طی کند:

۱. نگاه کردن به قرآن

در روایات اسلامی نگاه کردن به صفحات قرآن خود عبادت است، بنابراین اگر کسی سواد لازم برای خواندن قرآن هم نداشته باشد می‌تواند وضو گرفته و قرآن را باز کند و به نوشته‌هایش نگاه کند. به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

یک: ابی در غفاری از رسول خدا - صلی الله علیه و اله - نقل می‌ کند که آن حضرت فرمود: نگاه کردن در قرآن عبادت است.^(۱)

دو: امام زین العابدین ع - فرمود: نگاه کردن به قرآن بدون آنکه بخواند، عبادت است.^(۲)

نتیجه اینکه حتی افراد بی سواد نیز می‌توانند از قرآن کریم بهره برند، البته نگاه کردن منحصر به این افراد نیست.

۲. خواندن قرآن

دومین مرحله بهره‌وری از قرآن، خواندن آن است بدون اینکه به معانی آن توجه کند. امام صادق ع - می‌فرمایند: کسی که قرآن بخواند ثروتی دارد که بعد از آن فقیر نیست و کسی که قرآن نخواند چیزی ندارد.^(۳) امام حسن ع - نیز فرموده اند: کسی که قرآن بخواند پیش خداوند یک دعایی مستجاب می‌شود، دعای مربوط به دنیا و یا دعای مربوط به آخرت.^(۴) این دو فقط نمونه‌هایی از روایات فراوان در این باره است که می‌رسانند حتی خود خواندن قرآن پاداش دارد و این یک مرحله بالاتر از مرحله اول یعنی نگاه کردن به قرآن است. در این روایات هیچ اشاره‌ای نشده است که اگر کسی معانی قرآن را درک نکند، قرآن نخوانده چرا که وقتی نگاه کردن ثواب داشته باشد، خواندن قرآن نیز علاوه بر نگاه کردن خواهد بود. ثواب خواهد داشت.

۳. تدبر در معانی قرآن

تدبر یعنی زرفی اندیشی و عاقبت اندیشی، چهار بار در قرآن آمده که در سه آیه، مخاطبین خود را به تدبر به قرآن دعای و مقاصد پیام خویش دعوت کرده است که سیاق این آیات نوعی هشدار و توبیخ است که جسر دعای در درک نمی‌کند.
در آیه چهارم، محتوای هر خبر و برکت قرآن را بیان می‌کند تا به‌واسطه تدبر در آن از برکات عظیم آن بهره مند شوند.
خداوند در این باره هدف اصلی تروی قرآن را تدبر و تدبر عبرت گرفتن می‌داند: «کنایه مبارک به تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبر کنند و صاحبان اندیشه آن را درس بگیرند.»^(۵) این مرحله هر چند نسبت به دو مرحله قبل از اهمیت ویژه‌ای بر خوردار است اما به هیچ وجه آن دو را نفی نمی‌کند.

۴. عمل به قرآن

مرحله نهایی در قرآن عمل کردن به پیام‌ها و دستورات آن است و البته یادآور این نکته ضروری است که عمل به قرآن منوط به این نیست که حتما باید بخوانند دستورات الهی را از قرآن به‌دست آورند، بلکه افراد بی سواد می‌توانند با مراجعه به متخصصان دین یعنی مراجع تقلید به دستورات الهی عمل کنند و اگر کسی طبق فتاوی مرجع تقلیدش حرکت کند قطعاً از افرادی شمرده می‌شود که در پیشگاه الهی به قرآن عمل کرده است. رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه و اله - می‌فرمایند: کسی که قرآن را بخواند ولی عمل نکند، خداوند او را روز قیامت کور، محسور می‌کند و کسی که قرآن را برای رضای خدا و تقفه و آشنایی در دین بخواند خداوند برای او ثواب همه ملائکه، انبیا و رسولان را خواهد داد.^(۶) در این گونه روایات عمل به قرآن ملاک است حال یا خود انسان دارای چنان مقام علمی است که اندیشه کرده و دستورات اسلامی را از قرآن استخراج می‌کند و یا اینکه با تقلید از مرجع تقلید به قرآن عمل می‌کند. حاصل سخن اینکه هر کسی باید به اندازه توانش از قرآن بهره برد و نباید به این تصور که معنای را درک نمی‌کند از پاداش خواندن قرآن این بهره ماند و نیز نباید یک مسلمان بی سواد به تصور اینکه نمی‌تواند قرآن بخواند از اجر و ثواب الهی در نگاه کردن به قرآن استفاده نکند، چرا که خدای متعال هر کسی را به اندازه توانش پاداش خواهد داد و بیش از تحمل او از او عمل نمی‌خواهد و این است که فرمود: «پراي انچه بهره‌اي جز سعی و تلاشي و نيست و اينکه او بزودي پاداش تلاشي خود را خواهدديد، سپس او با جزای کافی داده خواهد شد.»^(۷)

در جای دیگر می‌فرماید: «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. هر کاری را (انسان) انجام دهد برای خود بخواند داده و هر بدی کسی که زیان از خود کرده است.»^(۸)

بنابراین توان کسی که معنای را درک نمی‌کند، فقط خواندن است و خداوند نیز از او همین خواندن را می‌خواهد و اگر بخواند مورد مواخذه قرار می‌گیرد.

۲. ابو حملى، محمد وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۰۵.
- کلبی، محمد کافى، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۶۰۵، حدیث ۸.
- نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱، ج ۱۰، ص ۸.
- رک‌ن‌سأ، ۸۱/مؤیدون ۸/ محمد ۴۴.
- نجم ۴۱- ۴۱.
- وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۸۴، حدیث ۷۶۸۳.
- نجم ۴۱- ۴۹.
- نجم ۹۶، ص ۲۸۶.

یکی از صفات اصلی که برای خداوند گفته می‌شود، علم است. علم است. علم خداوندی همانند حیات، قدرت، اراده، سمع، بصر و کلام از صفات ذاتی خداوندی است. همه صفات دیگر الهی از این صفات نشات می‌گیرد.

از این رو مسئله علم الهی، به تفصیل در قرآن تبیین و تحلیل شده است؛ زیرا تأثیرات شگرفی در هستی به جا می‌گذارد.

آگاهی و توجه آدمی به صفت علم الهی با تمام ویژگی‌های آن یکی از عوامل کلیدی در سرنوشت بشر می‌باشد؛ زیرا این‌ن توجه و آگاهی است که بیشن و نگرش جدیدی برای آدمی پدید می‌آورد و باعث می‌شود رفتار و کردار دیگری را در پیش می‌گیرد.

اگر بشسر بپذیرد که خداوند دارای علم و آگاهی مطلق و کامل به هر چیزی است و باور داشته باشد که: «و به کل شئى علمیم**» چنان‌که در **آیه ۲۹ سوره بقره** بر آن تأکید دارد، در آن صورت تحول و دگرگونی شگرف در رفتار و کردار آدمی بروز می‌کند که بسیار متفاوت با زمانی خواهد بود که چنین علم و دانشی برای انسان وجود نداشتته و یا توجه به این مهم نکرده بود.**

نویسنده در این مطلب با استناد به آیات قرآن، درباره آثار توجه انسان به علم خداوند نسبت به همه چیز و باور به اینکه عالم محض خداست چه نقشی در زندگی دارد سخن گفته است.

ریشه تقوا را باید در اعتقاد و توجه آدمی به علم شهودی و همه‌جانبه خداوند به همه اعمال و رفتار آدمی دانست، زیرا در این حالت است که آدمی می‌کوشد تا از هر آنچه زشت و پلید است دوری کند و به خود اجازه ندهد تا اقدام به کارهای زشت نماید. در حقیقت علم آدمی و توجه وی به علم شهودی خدا موجب می‌شود تا خود را محدود سازد و سپری برای خود بسازد تا زشتی‌ها به وی و درونش نفوذ نکنند.

شهودی آن حضرت به حاکمیت یافتن خود در مصر از مواردی است که خداوند در آیات ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره یوسف آن را بیان می‌کند.
قرآن گزارش می‌کند که علم حضرت پیامبر(ص) نسبت به وجود خداوند (نجم آیه ۱۱) و آیات بزرگ الهی در سفر معراج (نجم آیات ۱۸) و همچنین نسبت به جبرئیل (نجم آیات ۵ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ و تکویر آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۳) و نسبت به برخی از حقایق هستی(اسراء آیه ۶۰) از نوع علم شهودی بوده است، چنان‌که علم وی به ورود مسلمانان به مسجد الحرام و فتح مکه (اسراء آیه ۱ و فتح آیه ۲۷) از جمله مصادیق علم شهودی است که برای برخی پیش می‌آید.

می‌دانستند، از بسیاری از رفتارهای زشت و پلید ضد تقوایی چون پیمان شکنی پرهیز می‌کردند، بارها دیده شده است که شخصی در برابر کودکی خردسال به کارهای زشت و ناپهنجار اقدام نمی‌کند و از او شرم می‌کند؛ زیرا کودک را ناظر و شاهد اعمال خویش می‌پاید. اگر انسان توجه کند که خداوند فراتر از کودک نه تنها به کارها بلکه نیات و باطن وی علم شهودی دارد بی‌گمان از ارتکاب سبسیاری از کارهای زشت خودداری می‌کردای جاست که توجه‌یابی انسان به علم شهودی انسان به علم و آگاهی شهودی خداوند سبب اطاعت از خدای متعال(نور آیه ۵۳ و حجرات آیه ۱) و زمینه‌ساز امید و اتکالی به او(یوسف آیه ۱۵۸ و نساء آیه ۱۲۷ و ۱۲۸)

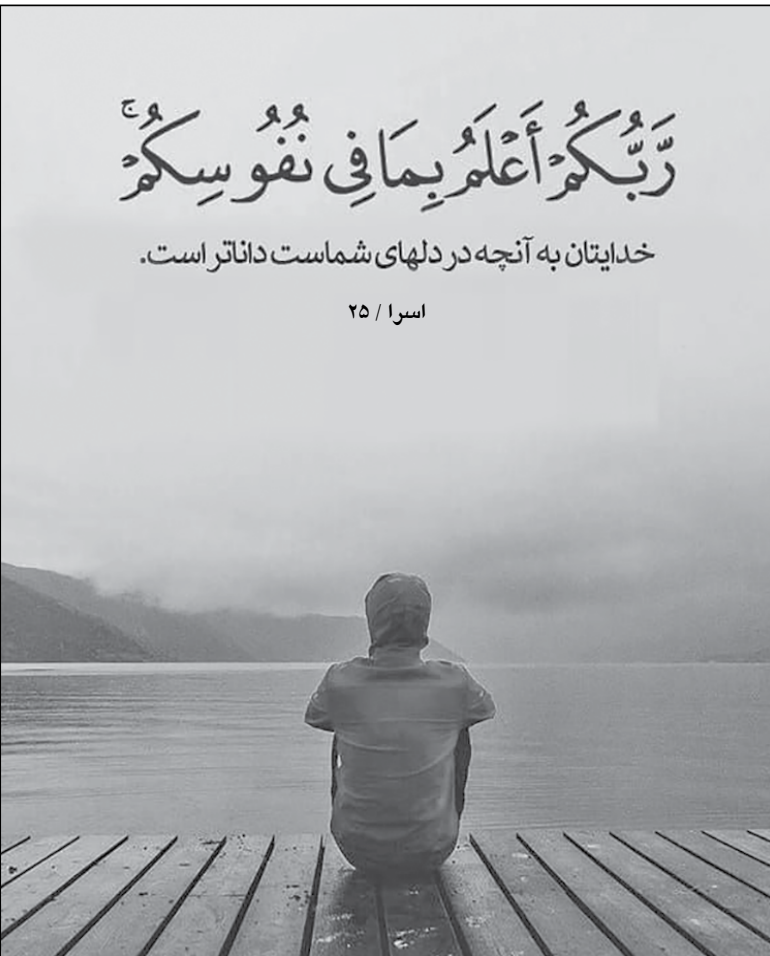
توجه انسان به علم و آگاهی شهودی خداوند سبب اطاعت از خدای متعال(نور آیه ۵۳ و حجرات آیه ۱) و زمینه‌ساز امید و اتکالی به او(یوسف آیه

باور به محضر خدا و آثار آن

فرید کریم‌زاده

ایمان مؤمنان به علم همه‌جانبه خداوند است که تحمل مصیبت‌ها را برای آنان آسان می‌کند و پایداری و شکیبایی در برابر مشکلات را در آنها پدید می‌آورد و افزایش می‌دهد. از این رو ایشان همواره در آرامش روحی به سر می‌برند و مصیبت و گرفتاری، آنان را تکان نمی‌دهد تا چه رسد که از پا در آورد. در مقابل، کسانی که به خداوند این‌گونه باور ندارند و یا متوجه علم شهودی الهی نیستند همواره در تشویش و اضطراب و نگرانی به سر می‌برند و دلپهره، همه وجودشان را در بر می‌گیرد و آرامش و آسایش خود را از دست می‌دهند.

به هر حال علم الهی به همه هستی از مصادیق علم حضوری و شهودی است و علم حصولی و اتکسنسایی که آگاهی ذهنی و تصویرسازی در ذهن بر اساس دریافت‌های خارجی است، برای خداوند معنا و مفهومی ندارد. از این رو نمی‌توان علم الهی را به دو بخش علم حصولی و حضوری تقسیم کرد؛ بلکه علم الهی به خود و هستی علم و حضوری و شهودی است.



توجه به علم خداوند و آثار آن در زندگی
اگر بر این باور باشیم که علم خدا به همه هستی از کلی و جزئی، از قسم علم حضوری و شهودی است، نگرش و رفتارمان نسبت به بسیاری از مسائل در زندگی تغییر اساسی می‌کند.
خداوند در آیه ۸۰ سوره تقایب گسترده‌گی و شمول علم خداوند نسبت به تمامی موجودات و نیز حرکات و سکنات آنان را مورد تأکید قرار می‌دهد و توجه یابی به این مطلب را سزاوار تدبر و تذکر می‌داند؛ زیرا اگر کسی به این مطلب توجه یابد و در زندگی خود به کار گیرد و هرگز فروامش نکند، رفتاری را در پیش می‌گیرد که موجب رضایت الهی است.

شخصی که می‌داند خداوند همه امور زندگی وی را می‌شناسد و می‌داند، رفتار خویش را بر اساس آن تنظیم می‌کند. این‌گونه است که از فقر و نداری خود نمی‌هراسد و به قسمت حکیمانه الهی دل خوش می‌یابد و رضایت خدا را می‌جوید. بنابراین به آرامشی خاص دست می‌یابد و حزن و اندوهی برای رفته‌ها و آرزوهای نرسیده ندارد.

اگر کسی متوجه این نکته شود که خداوند به همه اعمال ریز و درشت و درون و بیرون وی آگاهی و علم شهودی دارد و ناظر رفتارها و کردارهای اوست، هرگز در دام خودستایی و سرمستی و دیگر رفتارهای زشت نمی‌افتد. چنین توجهی موجب می‌شود تا از جنگ و جهاد به بهانه‌های واهی و باطل نگریزد و در پی هواهای نفسانی نرود و مطیع آن مطیع آن نشود.

آسمان‌ها و زمین سخن می‌گویند و در آیه ۲۶۰ سوره بقره از درخواست آن حضرت برای آشنایی با کیفیت زنده کردن مردگان در رستاخیز خبر می‌دهد که برای اطمینان و آرامش دل خوانهان علم شهودی و حضوری نسبت به این واقعیت در روایات است که علم شهودی حضرت (یوسف)ع به برهان پروردگار همان عامل بازدارنده وی از ارتکاب گناه بود که در آیات ۲۱ و ۲۴ و سوره یوسف به آن اشاره شده است، چنان‌که علم

(۸۳) و تشویق به احسان و انفاق (بقره آیات ۲۱۵ و ۲۶۱ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۷۰) و تشویق به نیکی و اعمال‌خیر و صالح (بقره آیات ۱۵۸ و ۱۹۷ و ۲۱۵) می‌شود. اصولاً ریشه تقوا را باید در اعتقاد و توجه آدمی به علم شهودی و همه‌جانبه خداوند به همه اعمال و رفتار آدمی دانست، زیرا در این حالت است که آدمی می‌کوشد تا از هر آنچه زشت و پلید است دوری کند و به خود اجازه ندهد تا اقدام به کارهای زشت نماید. در حقیقت علم آدمی توجه وی به علم شهودی خدا موجب می‌شود تا خود را محدود سازد و سپری برای خود بسازد و زشتی‌ها به وی و درونش نفوذ نکند.(بقره آیات ۲۳۱ و ۲۳۲)

از دیگر آثار که برای چنین توجه به علم شهودی خداوند در این قرآن بیان شده می‌توان به توبه انسان از اعمال و رفتار زشت (نساء آیه ۱۷) و توکل و اعتمادیابی به خداوند در کارها(هود آیه ۱۲۳ و اعراف آیه ۸۹ و انفال آیه ۶۱) جهاد در راه خدا(بقره آیه ۲۴۴ و نساء آیه ۱۰۴) رعایت حقوق دیگران از زنان، مستضعفان و یتیمان (نساء آیه ۱۲۷) رعایت عدالت (نساء آیات ۱۲۷ و ۱۲۵ و مائده آیه ۸) پرهیز از ریاکاری و سرمستی (انفال آیه ۲۷) شکرگزاری نسبت به خداوند و نعمت‌هایش (نساء آیه ۱۲۷) و غیره بر برابر ناگواری‌ها و سختی‌ها(یوسف آیه ۸۳) غفت و حیا نسبت به کارهای زشت (نور آیه ۳۰) وفای به عهد و پیمان و اجتناب از نقض آنها(مائده آیه ۷ و نحل آیه ۹۱) و قیام خالصانه و رعایت عدالت در راه خداوند (مائده آیه ۸) اشاره کرد.

با نگاهی به این آثار می‌توان دریافت که تا چه اندازه توجه به علم شهودی خداوند به همه امور می‌تواند در رفتارهای انسان تأثیر شگرف به جا گذارد. اصولاً ترک بسیاری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و رفتارهای ناپهنجار از سوی آدمی به سبب توجه یابی وی به علم شهودی خداوند است؛ زیرا کسی که باور دارد که در محضر خداوند است، هرگز در محضر او گناه نخواهد کرد. این امری طبیعی است که انسان در برابر ناظر محترم کار زشتی امر ارتکب نمی‌شود. حال این ناظر محترم خداوندی باشد که آگاه به سر و نهان آدمی افزون بر آشکار و نهان اوست، در این صورت هرگز به کارهای زشت نه تنها اقدام نمی‌کند بلکه هر فکر پلیدی را از خود دور می‌سازد و نیت خویش را خالص و صادق می‌گرداند.

شخصی که می‌داند خداوند همه امور زندگی وی را می‌شناسد و می‌داند، رفتار خویش را بر اساس آن تنظیم می‌کند. این‌گونه است که از فقر و نداری خود نمی‌هراسد و به قسمت حکیمانه الهی دل خوش می‌دارد و رضایت خدا را می‌جوید. بنابراین به آرامشی خاص دست می‌یابد و حزن و اندوهی برای از دست رفته‌ها و آرزوهای نرسیده ندارد.

اصولاً ایمان مؤمنان به علم همه‌جانبه خداوند است که تحمل مصیبت‌ها را برای آنان آسان می‌کند و پایداری و شکیبایی در برابر مشکلات را در آنها پدید می‌آورد و افزایش می‌دهد.(تغابن آیه ۱۱) از این رو ایشان همواره در آرامش روحی به سر می‌برند و مصیبت و گرفتاری، آنان را تکان نمی‌دهد تا چه رسد که از پا در آورد. در مقابل، کسانی که به خداوند این‌گونه باور ندارند و یا متوجه علم شهودی الهی نیستند همواره در تشویش و اضطراب و نگرانی به سر می‌برند و دلپهره، همه وجودشان را در بر می‌گیرد و آرامش و آسایش خود را از دست می‌دهند.

کسانی که به علم شهودی خداوند نسبت به همه چیز خدای اندیشه‌ها (مائده آیه ۱۱۶) باور و توجه دارند، رفتارها و کارهای خویش را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که رضایت خدا در آن باشد تا در قیامت هنگام حاسب‌رسی با مشکلی مواجه نشوند و در رستاخیز خوار و ذلیل نشوند.(بقره آیات ۲۸۳ و ۲۸۴ و توبه آیه ۹۴)
انسان به علم شهودی خداوند است که در زندگی دنیوی و اخروی به خودنمایی می‌کند. با نگاهی به آموزه‌های قرآنی می‌توان مصادیق بسیار دیگری برای این نقش و کارکرد توجه یابی انسان یافت که بیرون از حوصله این مقاله است.
باشند تا با توجه به علم شهودی الهی و اینکه همواره در محضر خداوند هستیم، از کارهای زشت و پلید اجتناب کرده و به کارهای نیک و خیر رو آوریم.

صفحه ۷

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۲۶ رمضان ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۵۴۸

آیات ۱۹ و ۲۹ و ۵۳ و ۶۳ و ۶۴) است. اگر کسی

متوجه این نکته شود که خداوند به همه اعمال ریز و درشت و درون و بیرون وی آگاهی و علم شهودی دارد و ناظر رفتارها و کردارهای اوست، هرگز در دام خودستایی (نجم آیه ۳۲) و سرمستی (انفال آیه ۴۷) و دیگر رفتارهای زشت نمی‌افتد. چنین توجهی موجب می‌شود تا از جنگ و جهاد به بهانه‌های واهی و باطل نگریزد(آل عمران آیه ۱۵۳) و در پی هواهای نفسانی نرود و مطیع آن نشود.(نساء آیه ۱۳۵)

به سخن دیگر، علم و توجه آدمی به علم شهودی الهی نسبت به خود و اعمال و رفتار وی موجب می‌شود که از زشتی‌ها اجتناب کند و به کارهای نیک و خوب گرایش یابد. از این رو انسان برای رهایی از شر شیطان و آسیب‌های او به خداوند پناه می‌برد(اعراف آیه ۲۰) و از کارهای زشت و بد استغفار می‌کند(غافر آیه ۷) و به کارهای نیک و احسان می‌پردازد.(بقره آیه ۱۵۸ و نساء آیه ۱۲۷ و ۱۲۸)

توجه انسان به علم و آگاهی شهودی خداوند سبب اطاعت از خدای متعال(نور آیه ۵۳ و حجرات آیه ۱) و زمینه‌ساز امید و اتکالی به او(یوسف آیه

مردی آمد خدمت پیامبر(کرم‌ص) و شتر خودش را اغال نکرد. (یعنی زانو بند شتر را از طبق معمول می‌بندند نیست) آمدند از او پرسیدند: شترت را چکاری کردی؟ گفت: همان جا بیرون مسجد ره‌ایش کردم. گفتند: عقال کردی یا نه؟ گفت: نه. به خدا توکل کردم. پیامبر گرامی(ص) به فرمود: «عقل توکل» شتر را ابتدا عقال کن (ببند) بعد هم توکل کن (با توکل زانو‌ای اشتر ببند) یعنی کاری را که از خودت ساخته است، خودت باید انجام دهی.^(۱)

۱- عوالی العالمی، ج ۱، ص ۷۵



توکل و آثار آن
پرسش:
توکل چیست و چه آثار و برکاتی را در زندگی انسان به ارمعان می‌آورد؟
پاسخ:
از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام یکی از سرمایه‌های سعادت و موفقیت در انسان توکل است. اما در نقطه مقابل مخالفین بحث توکل و رضا و قناعت و زهد و بی‌برغبتی به دنیا را از آموزه‌های تخیبری می‌دانند که انسان را به عقب و قهقرا سوق می‌دهد.

مفهوم توکل
اینکه بحث توکل جنبه سازنده و تکامل آفرین داشته باشد یا اینکه جنبه منفی و تخیبری بستگی به نوع تفسیر و معنایی است که ما از بحث توکل ارائه می‌دهیم.
۱- تفسیر اول: توکل از ماده و کالت است یعنی اینکه انسان کار خودش را به دیگری واگذار کند و وکالت دهد. حال دیگری هر که می‌خواهد باشد. توکل به خدا یعنی اینکه انسان کار را از دوش خودش بردارد و برعهده خدا بگذارد. وقتی بشر به این حال در آمد که در هر موضوعی به جای اینکه به نیروی خودش تکیه کند و اعتماد به نفس داشته باشد، و از خود و توانمندی خودش بهره گیرد می‌گوید من به او واگذار کردم و او خودش درست می‌کند. نتیجه این تفکر این است که انسان یک موجود صددرصد مهملی از آب درمی‌آید.

۲- تفسیر دوم: معنای توکل این نیست که انسان به کسی وکالت دهد که کارهای او را انجام دهد یا مثلاً خدا را در انجام وظیفه نایب بگیرد و هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد بگوید به جای من خدا انجام می‌دهد. بلکه وظیفه و تکالیف انسان‌ها همیشه سر جای خود هست. انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خود همیشه بر سر دواهی قرار می‌گیرند به طوری که با باید وظیفه اخلاقی خود را به وجدانش، عقلش و دین و مذهبش حکم می‌کند انجام می‌شود و خیلی با موازین عقل و منطق و دین هم سازگاری ندارد مانند کارمندی که می‌تواند راه امانت، تعهد و صداقت و وجدان کاری را انتخاب کند که برحسب ظاهر منافی در کارش نیست و یا اینکه راه باطلی را پیش بگیرد و از راه زد و بند و رشوه و زدنی به منافع بیشتری سود یابد؟ انسانی که با این دوگانه مواجه می‌شود با خودش فکر می‌کند که آیا در عالم قدرت و نیرویی هست که اگر انسان ذنبال حق و حقیقت برود او را تحت حمایت خودش قرار دهد و در مقابل نیروهای شیطانی یاری کند یا نه؟ پس ما در اینجا دو نوع طرز تفکر داریم، یکی اینکه به این قدرت مابوایی و خالق کل هستی تکیه کنیم و نصرت و حمایت او را جلب کنیم یا اینکه به منافع زودگذر مادی و محسوس و ملموس بسنده کنیم و به هر شکل ممکن برای رسیدن به آن اقدام نماییم؟ مفهوم واقعی توکل تفسیر اول را تأیید می‌کند. ما یک توکیل داریم که معنایش همان واگذار کردن کارها به وکیل است. اما توکل عکس آن است یعنی اینکه من وظایف و تکالیف خود را انجام می‌دهم یا اتکا به پروردگارم. لذا توکل همیشه باالفظ علی به کار می‌رود «توکلت علی‌الله» لذا توکل همیشه در انجام کارهای مثبت و تکالیف الهی است نه اعمال منفی و ضد ارزشی که کسی در این‌گونه اعمال نمی‌گوید «توکلت علی‌الله».

ارکان توکل

تسوکل ارکانی دارد که به برکت آنها مفهوم واقعی توکل عینیت پیدا می‌کند و محقق می‌شود.

۱- رکن اول توکل این است که آرمان‌ها و اهداف انسان مقدس باشد و انسان به خاطر آن اهداف مقدس کاری را انجام می‌دهد و یا ترک می‌کند.

۲- رکن دوم این است که انسان در راه این آرمان‌ها و اهداف مقدس سعی و تلاش و مجاهدت نماید و بدون تلاش و کوشش توکل معنا و مفهومی نخواهد داشت و آثاری بر آن مترتب نخواهد بود.

۳- رکن سوم توکل این است که انجام فعالیت‌ها و تلاش‌های انسان مقربان به اخلاص و خلوص نیت و لله و فی‌الله باشد نه برای هواهای نفسانی و شائبه‌های مادی و دنیوی!

بنابراین اهداف و آرمان‌های مقدس، مجاهدت در جهت نیل به آن آرمان‌ها و اهداف و خلوص نیت در مسیر انجام فعالیت‌ها سه رکن اساسی توکل به حساب می‌آید.

توجه فلسفی توکل

از نظر فلسفی توجهی توکل این است که دنیا یک واحد جاندار و ذی‌شعور است، این واحد ذی‌شعور نسبت به افرادی که در راه حقیقت فعالیت می‌کنند و افرادی که در راه باطل و غیرحقیقت فعالیت می‌کنند، بی‌طرف و متساوی نیست، این روح و حقیقت توکل است. به عبارت دیگر اگر انسانی در راه آرمان‌ها و اهداف مقدسش فعالیت کند و نیشت خالص باشد، جهان کور و کر و بی‌طرف نیست، بلکه حمایت، نصرت و تأیید می‌کند. و بالعکس اگر کسی در مسیر باطل و غیرحق و حقیقت فعالیت کند، جهان هستی و خالق آن در برابر او نه تنها یاری‌کننده نیست بلکه او را شدیداً معاقبه خواهد کرد. بنابراین آثار و برکات توکل می‌شود، خود به خود این میل تحریک می‌شود و به هیجان در می‌آید.^(۱)



راهی از دل خدا دارد.

هر کس‌ی از دل خدا را دارد. درّی از خدا دل‌ها به سوی خدا هستست حتی شقی‌ترین افراد در موارد گرفتاری و ابتلا در وقتی که اسباب و علل به کلی از آنها منقطع می‌شود تکانی می‌خورند و به خدا التجا می‌برند. این یک میل فطری و طبیعی است در وجود انسان. پرده گناه و شقاوت گاهی روی آن را می‌گیرد. در سختی‌ها که پرده زایل می‌شود، خود به خود این میل تحریک می‌شود و به هیجان در می‌آید.^(۱)

۱- بیست گفتار، شهید مرتضی مطهری(ره) ص ۲۳۶